

استانداردهای ایماندار ۱۳

چگونه دعا کنیم؟

خادم خدا فیروز خانجانی

کلیسای ایران

بازنگری شده - بهار ۱۳۹۹

همان‌طور که به خاطر دارید در دوازدهمین بخش از سلسله مباحث استانداردهای ایماندار، شرایط لازم جهت داشتن یک دعای خوب را بررسی کردیم و متوجه شدیم که خداوند قبل از هر کاری نظر ایمانداران را به سمت هدف دعا جلب می‌نماید. آیا هدف از دعا جلب توجه دیگران و مورد تشویق اطرافیان واقع شدن است یا برقراری ارتباط با پدر آسمانی؟ همچنین آموختیم که خدا را در نهان می‌توان یافت، آن زمان که چشمان خود را بر روی دنیا بسته و وارد قدس‌الاقداس می‌شویم. درهای قدس‌الاقداس همیشه بسته بود و کاهن اعظم سالی یک بار با حضور در آنجا برای مردم شفاعت می‌کرد. آنجا مرکز و قبله‌ی عبادت یهودیان محسوب می‌شد یعنی هر یهودی در هر نقطه از دنیا، هنگام عبادت به سمت اورشلیم و به تبع از آن، به سوی هیکل و قدس‌الاقداس رو می‌کرد.

ما نیز به واسطه‌ی خون مسیح این دلیری را یافته‌ایم که به قدس‌الاقداس وارد شده و در حضور خدا حاضر شویم، به شرطی که در رازگاهان وارد حجره‌ی خود شده و در مشارکت با دیگر ایمانداران، به فکر جلب توجه دیگران نباشیم. نباید به دنبال استفاده از کلمات قصاری بود که تحسین دیگران را برانگیزد زیرا خدا به چنین دعا‌هایی توجه نخواهد کرد. **خداوند تنها شنونده‌ی دعای کسی است که قلبش فقط به سوی پدر متمایل باشد، پدری که در نهان است.**

از آنچه در پیغام گذشته عنوان شد دریافتیم نباید در دعا به دنبال استفاده از جملات طولانی بود، زیباترین دعا‌هایی که در کتاب مقدس به چشم می‌خورند معمولاً در چند جمله‌ی کوتاه بیان شده‌اند. مانند آخرین دعای داود که در عین کوتاهی، بسیار زیبا و عمیق است. استفاده کردن از کلمات زیبا و حماسی در دعا توجه خدا را جلب نمی‌کند بلکه او به جایگاهی که در قلب و زندگی هر یک از ما دارد نظر می‌افکند.

همچنین دیدیم که یهودیان سه بار در روز دعا می‌کردند اما ممکن است امروزه بعضی از مسیحیان با این تصوّر که: «چون در فیض هستیم دیگر نیاز چندانی به دعا کردن نیست.» از

اختصاص وقت به این ارتباط مهم با خدا شانه خالی کنند. چنین افرادی در اشتباه هستند زیرا همواره باید نگاه ما متوجه خداوند باشد تا بتوانیم خود را با او هماهنگ کنیم. عزیزان، چنانچه خلوت کردن با خدا را یاد بگیرید یقیناً او را در خلوت‌های خود ملاقات خواهید کرد اما اگر دعای شما به منظور رفع تکلیف باشد این ملاقات میسر نخواهد شد.

دعا گفتگو با خداست، نه تمرین به کارگیری آرایه‌های ادبی. خدا ما را در خلوت‌ها ملاقات می‌کند یعنی جایی که به دور از تلاطم صداها و دنیوی، تنها به آوای آسمانی الهی گوش دهیم. کسانی که در دعا به دنبال لذت بردن از احساسات خود هستند، از قرار گرفتن در پرستش صاف و بی‌عیب عاجز خواهند ماند. این افراد دوست دارند در دعا همان لذتی را به دست آورند که سابقاً در دانسینگ، مناجات‌های عارفانه، زیارت اماکن به اصطلاح مقدسه و امثال آن کسب می‌کردند. البته بسیاری از جماعت‌های کلیسایی نیز وجود دارند که در دعا و پرستش، اعضای خود را به احساس‌گرایی سوق می‌دهند. این عملکردهای نادرست باعث ایجاد انحرافات بسیار در پرستش و دعاها و بسیاری از کلیساها شده است تا جایی که در یک کلیسا برای تجلی قدرت روح‌القدس، به پهنای شادی فریاد می‌زنند و حرکات عجیب و غریب انجام می‌دهند. یا اینکه در جماعتی دیگر در زمان پرستش با چهره‌های عبوسی مواجه می‌شویم که اساساً با شادی مخالف هستند. باید دانست که روح‌القدس تنها در چارچوب کلام عمل می‌کند و با احساسات و تعبیر انسانی میانه‌ای ندارد.

هدف از عبادت، صرفاً سرمست شدن از حضور خدا نیست بلکه پرستش وی و گفتگو با او نیز هست. داود به خداوند می‌گوید: «کاسه‌ام را لبریز کرده‌ای.» اما این بدان معنا نیست که او فقط در پی سرمست شدن از حضور خدا بود. برداشت نادرست از این مسئله می‌تواند باعث بروز انحراف و به تبع از آن، باعث ایجاد بدعت‌هایی نظیر جنبش تورنتو و یا غیره گردد. در چنین فضاهایی جایگاه مناسبی برای دعا و عبادت تعریف نشده است و هدف از دعا را تنها احساس سرمستی در حضور خدا می‌دانند. اگر این تعریف مبنای دعا باشد، پس هرگاه احساساتی ظاهراً

زیبا اما غیر الهی به عبادت‌های این افراد وارد شود بدون تطابق با کتاب مقدس، آن را خواهند پذیرفت زیرا سرمستی از این احساسات برایشان کافی است! پس آیا این یک فریب نیست؟ اگر احساس سرمستی کافی است پس شنیدن کلام خدا چه می‌شود؟

هدف از تکرار این مطالب، یادآوری نکاتی از جلسات گذشته بود تا ما را در درک مبحث امروز یاری دهد. اینک با استفاده از کلام خدا به بررسی استاندارد برای چگونه دعا کردن خواهیم پرداخت. امروز متی باب ۶ آیات ۹ تا ۱۵ را بررسی خواهیم کرد. پس ابتدا آیات را بخوانیم.

پس شما به این‌طور دعا کنید:

ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدس باد.

ملکوت تو بیاید. اراده‌ی تو چنانکه در آسمان است، بر زمین نیز کرده شود.

نان کفاف ما را امروز به ما بده.

و قرض‌های ما را ببخش چنانکه ما نیز قرضداران خود را می‌بخشیم.

و ما را در آزمایش میاور بلکه از شریر ما را رهایی ده. زیرا ملکوت و قوت و جلال تا ابدالابد از آن تو است، آمین.

زیرا هرگاه تقصیرات مردم را بدیشان بیامرزید، پدر آسمانی شما، شما را نیز خواهد آمرزید.

اما اگر تقصیرهای مردم را نیامرزید، پدر شما هم تقصیرهای شما را نخواهد آمرزید.

البته با توجه به متن اصلی، این آیات را به این صورت نیز می‌توان ترجمه کرد: «ای پدر ما که در آسمانی، باشد که مردم به الوهیت تو احترام گذارند. باشد که فرمانروایی تو برقرار شود. باشد که اراده‌ی تو چنانکه در آسمان جاری است، بر زمین نیز انجام شود. نان کفاف ما را به ما بده. از گناهان ما درگذر، همان‌طور که ما گناهان دیگران نسبت به خود را می‌بخشیم. ما را در

برابر وسوسه‌ها محافظت فرما و از شریر حفظ کن زیرا ملکوت و قوت و جلال از آن توست تا ابدالاباد. آمین.

از آنجایی که خود خداوند دعای ربانی را تعلیم داده، این دعا دارای جایگاه خاصی در کتاب مقدس است. مسیح این دعا را تعلیم نداد تا برخی همچون وردگویی جادوگران، بدون توجه به مفاهیم اصلی‌اش به تکرار طوطی‌وار آن بپردازند. شاید این افراد تصوّر می‌کنند که با تکرار مدام این دعا حتی بدون اینکه متوجه معنی‌اش باشند، مستجاب خواهند شد. شاید مطلب «پدر آسمانی» را خوانده باشید. در آن ماجرا ایماندارانی را می‌بینیم که پس از قرائت هر بخش از دعای ربانی، در خصوص معنای آنچه می‌خواند، از سوی خداوند مورد پرسش واقع می‌شود. اگر ایمانداران سنتی حقیقتاً در حضور خدا بایستند، مطمئناً روح‌القدس ایشان را نیز در خصوص توجه به مفهوم دعای ربانی ملزم می‌سازد.

هدف خداوند از این تعلیم، تکرار طوطی‌وار آن توسط ایمانداران نیست بلکه مقصود ارائه‌ی الگویی کامل جهت اولویت‌بندی مسائل گوناگون در دعا و زندگی آنهاست. در اینجا باید به نکته‌ای ظریف اشاره داشت و آن اینکه ما استفاده از این دعا در پرستش‌های ایمانداران را نفی نمی‌کنیم بلکه بر مبنای تعلیم خداوند عیسی در خصوص افتادن به دام تکرارهای باطل و بیهوده هشدار می‌دهیم. بهره‌گیری از این دعا در کنار تأمل به آنچه در حضور خدا بلند می‌کنیم می‌تواند برای هر ایماندار سرشار از برکات آسمانی باشد. گروهی از کلیساهای پروتستان با اصل استفاده از این دعا در پرستش‌های خود مخالفند و با این تصوّر که چون در اعمال رسولان چنین مسئله‌ای دیده نمی‌شود پس نباید از این تعلیم استفاده کرد. حال آنکه محتوای این دعا به حدی سرشار از برکات و تعالیم عالی روحانی است که استفاده از آن به عنوان یک نمونه‌ی عالی، هر ایماندار را در درک چگونه دعا کردن یاری می‌کند.

دعای ربانی با عبارت «ای پدر ما که در آسمانی» شروع می‌شود. هر چند مخاطب قرار دادن خدا به عنوان پدر، مختص عهد جدید می‌باشد لیکن در عهد عتیق نیز آیاتی به چشم می‌خورند

که در آنها از خدا به عنوان پدر یاد شده است. با این تفاوت که مقام و مفهوم این عبارت در عهد عتیق و عهد جدید با یکدیگر فرق می‌کند. به این آیات توجه کنید: «به درستی که تو پدر ما هستی اگر چه ابراهیم ما را نشناسد و اسرائیل ما را بجا نیاورد اما تو ای یهوه، پدر ما و ولی ما هستی و نام تو از ازل می‌باشد.» (اشعیا ۶۳:۱۶). «اما الان ای خداوند، تو پدر ما هستی. ما گل هستیم و تو صانع ما هستی و جمیع ما مصنوع دست‌های تو می‌باشیم.» (اشعیا ۶۴:۸).

در عهد عتیق به دلیل وجود رابطه‌ای خاص میان خدا و قوم اسرائیل، بعضی از انبیا و مزمورسرایان از خدا به عنوان پدر یاد می‌کردند. در کتاب تثنیه ۳۱:۱ در خصوص تعریف نقش پدری خدا در عهد عتیق چنین می‌خوانیم: «و هم در بیابان که در آنجا دیدید چگونه یهوه خدای تو مثل کسی که پسر خود را می‌برد تو را در تمامی راه که می‌رفتید برمی‌داشت تا به اینجا رسیدید.» در عهد عتیق بنی اسرائیل خدا را تنها به خاطر محبتی که نسبت به آنها داشت، پدر می‌خواندند در حالی که در عهد جدید رابطه‌ی پدر-فرزندی فراتر از یک ارتباط صرفاً محبت‌آمیز است. اگر چه خداوند به داود گفت که برای سلیمان همچون پدر خواهد بود اما خوب می‌دانیم که سلیمان پسر خدا نبود و رابطه‌ی عالی پدر-فرزندی تنها مختص ایمانداران عهد جدید است.

پیرامون این ارتباط آسمانی، در یوحنا ۱۲-۱۳ آمده است: «و اما به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد که نه از خون و نه از خواهش جسد و نه از خواهش مردم بلکه از خدا تولد یافتند.» بر اساس این آیات درمی‌یابیم که شکل واقعی رابطه‌ی پدر-فرزندی در عهد جدید نمود یافته است، زیرا ایمانداران از خدا تولد می‌یابند. خدا در عهد قدیم از این جهت پدر خوانده می‌شد که حامی اسرائیل بود اما استفاده از عنوان پدر در عهد جدید، کیفیتی به مراتب بالاتر از گذشته را در برمی‌گیرد. تا قبل از مسیح در هیچ قسمت از کتاب مقدس نیامده: «پس شما کامل باشید چنانکه پدر شما که در آسمان است کامل است.» چون در آن زمان اصلاً رابطه‌ی پدر-فرزندی به معنای واقعی کلمه ایجاد نشده بود. پدر در عهد عتیق فقط حامی بود اما در عهد جدید والد.

بسیاری از حاکمان همواره دوست داشتند و دارند که پدر ملت خود نامیده شود تا به این ترتیب به ظاهر محبت خود را نسبت به آنها نشان دهند اما آیا به راستی ایشان پدر مردم کشور خود هستند؟ در این موارد تنها از یک عنوان برای نشان دادن محبت و حمایت می‌شنویم در حالی که در عهد جدید، پدر را به معنای واقعی کلمه در کنار فرزندان می‌بینیم.

در این آیات از پدری صحبت می‌شود که در آسمان است. اگر بر اساس این آیات چنین استنباط کنیم که خدا فقط در آسمان حضور دارد و در آنجا زندگی می‌کند، اشتباهی بس بزرگ مرتکب شده‌ایم. بسیاری از مردم تصوّر می‌کردند یوری گاگارین در سفر خود به فضا به خدا نزدیک‌تر می‌شود اما هنگامی که این اتفاق رخ نداد همگی شوکه شدند. این تفکر صد درصد جسمانی است. در کتاب مقدس به سه آسمان اشاره شده است: ۱. آسمان حضور خدا. ۲. آسمانی که سیارات و ستاره‌ها در آن قرار دارند. ۳. آسمان یا همان جوّی که زمین را احاطه کرده است. این تصویر تقریباً در ساختمان هیکل نیز به چشم می‌خورد به نحوی که قدس‌الاقداّس، قدس و محوطه‌ی پیرامون آن را به وضوح می‌توان از یکدیگر تمییز داد.

استفاده از این دست استعارات به معنای آن نیست که خدا در یک جا محدود می‌باشد و در نقاط دیگر حضور ندارد بلکه کیفیت حضور خدا را در مکان‌های مختلف نشان می‌دهد. خدا از هر نظر مافوق بشر است و انسان زنده در فضای میانی جا می‌گیرد. فضایی پایینی هم هست به بیانی «زیر زمین» که تداعی گر تنزل و مرگ است. به واقع می‌شود گفت که انسان هبوط یافته به فضای زیر زمین تعلق دارد همان‌طور که فرد رستگار یافته در مسیح در آسمان جا گرفته است. فردی که جدا از مسیح چشم فرو می‌بندد، به فضایی که در برگردان قدیم از آن به عنوان «هاویه» یاد شده فرو می‌رود. هاویه یا هادس همان دنیای مردگان است. هاویه متضاد جایگاه خداست. پس خدا در فضایی خاصی از این کیهان یا در یک سیاره به سر نمی‌برد.

وقتی خدا را پدر آسمانی خطاب می‌کنیم، در اصل به جایگاه رفیع و احاطه‌ی او بر تمامی امور خلقت اذعان می‌نماییم و اعتراف می‌کنیم که او نه فقط خدا بلکه پدر ما نیز هست. پولس

رسول به همین دلیل خدا را شکر می‌کند و می‌گوید که پدر، ما را در مسیح به جمیع برکات در مکان‌های رفیع، مبارک ساخته است. پولس با این جمله به جایگاه اصلی ما که در کنار پدر آسمانی است اشاره دارد و خدا را برای این مقام رفیع که در مسیح برای ایمانداران مهیا شده، سپاس می‌گوید.

خدا نه به عنوان «پدر من» بلکه به عنوان «پدر ما» مخاطب می‌شود. با وجود اینکه این دعا در کتاب مقدس مختص رازگهان است، ما در خلوت خود به خدا اعتراف می‌کنیم که یکی از اعضای خانواده‌ی الهی روی زمین هستیم و به سخنی تافته‌ی جدابافته نیستیم.

مسیح در ادامه‌ی این دعا می‌گوید: «... نام تو مقدس باد.» اگر بخواهیم با استفاده از متون اصلی، این آیه را ترجمه کنیم بهتر است بگوییم: «باشد که مردم به الوهیت تو احترام بگذارند.» یا «باشد که مردم تو را آنگونه که سزاوار است، پرستش کنند.» و یا اینکه «جلال تو بر همگان آشکار شود.» از متن اصلی و دیگر ترجمه‌های موجود می‌توان به این معانی نیز رسید. وقتی نام پدر تقدیس کرده می‌شود که مردم به الوهیت او پی برده باشند و متوجه شوند که خدای واحد اوست نه بت‌های روحانی و جسمانی ساخته‌ی ذهن بشر. این مهم به واسطه‌ی تجلی نام خداوند در زندگی ایماندارانی که او را پدر خطاب و پرستش می‌کنند رخ خواهد داد زیرا هرگاه نام خدا در زندگی ما تقدیس کرده شود، دیگران از ثمرات این قداست به الوهیت او پی خواهند برد.

مسیح در یوحنا ۱۷: ۱۱-۱۲ این‌طور نزد پدر دعا می‌کند: «... ای پدر قدوس اینها را که به من داده‌ای، به اسم خود نگاه دار تا یکی باشند چنانکه ما هستیم. مادامی که با ایشان در جهان بودم، من ایشان را به اسم تو نگاه داشتم...» در ترجمه‌ی دقیق‌تر آیه‌ی ۱۱ می‌خوانیم: «ای پدر، اینها را به همان اسمی که به من داده‌ای نگاه دار.» منظور از همان اسم یا اسم پدر چیست؟ اگر پدر، خدایی است که خالق کائنات و فرمانروای هستی است پس نام او نیز باید فوق نام‌ها باشد. خدا را شکر که این نام بر ما مکاشفه شده است. آیا غیر از نام عیسی، اسم دیگری به مردم عطا شده تا بدان نجات یابند؟ آیا غیر از نام عیسی، می‌توان اسم دیگری فوق از جمیع

نام‌ها یافت تا در مقابل او هر زانویی از آنچه در آسمان‌ها و زیر زمین است، خم شود؟ «عیسی مسیح» همان «یهوه» عهد عتیق است. نام خداوند زمانی تقدیس کرده می‌شود که مردم بدانند خدای آسمان‌ها و زمین در عیسی مسیح، پای بر این کروی خاکی نهاد.

در برخی ترجمه‌ها نظیر ترجمه‌ی TOB عبارت «نام تو مقدس باد.» چنین ترجمه شده است: «بر مردم آشکار کن که تو که هستی.» وقتی فیلیپس از مسیح پرسید: «... ای آقا پدر را به ما نشان ده که ما را کافی است.» (یوحنا ۱۴:۸). خداوند در پاسخ به او گفت: «... آیا مرا نشناخته‌ای؟ کسی که مرا دید، پدر را دیده است...» (یوحنا ۱۴:۹). پس در دعای ربانی سرّی نهفته است یعنی همان سرّ عظیم دینداری (اول تیموتائوس ۳:۱۶). هنگامی که انسان‌ها به الوهیت مسیح پی برند، نام خداوند تقدیس کرده خواهد شد و حرمت خواهد یافت. مسیح به پدر گفت نام خود را جلال ده و پدر نیز اعلام داشت که جلال دادم و جلال خواهم داد. همچنین در یوحنا ۵:۴۳ عیسی مسیح به کاتبان و فریسیان می‌گوید: «من به اسم پدر خود آمده‌ام...» درک الوهیت و خداوندی مسیح توسط مردم، باعث تکریم و حرمت یافتن نام او می‌شود. مجدداً برای درک غنای متی ۹:۶ به چهار ترجمه‌ی این آیه که در ابتدا عنوان شد، اشاره می‌کنم: ۱. نام تو مقدس باد که همان ترجمه‌ی تحت‌اللفظی آیه می‌باشد. ۲. باشد که به عنوان خدا شناخته شوی. ۳. انسان‌ها تو را آن‌طور که سزاوار است، بپرستند یا جلال تو بر همگان آشکار گردد. ۴. مردم بدانند که تو که هستی. عیسی مسیح ذات پدر را بر ما نمایان ساخت و تنها در نام اوست که بر هر زانویی لرزه خواهد افتاد. آمین.

در ادامه‌ی دعای ربانی و در آیه‌ی ۱۰ می‌خوانیم: «ملکوت تو بیاید...» به راستی ملکوت خدا چگونه می‌آید؟ یوحنا تعمیددهنده در این باره چنین موعظه می‌کرد: توبه کنید زیرا ملکوت آسمان نزدیک است. (متی ۳:۲). ملکوت خدا به انسان‌ها نزدیک شد و هر کس می‌تواند با توبه کردن یا دگرگون شدن، با عوض کردن تفکرات خود وارد آن گردد. ملکوت خدا ابتدا به قلب انسان نزدیک شد و این مسئله‌ای نیست که جنبه‌ی زمانی داشته باشد. مسیح نگفت که همین

امروز زمان ظهور ملکوت خدا نزدیک شده بلکه گفت ملکوت خدا خود را به شما نزدیک کرده است. فعلی که در این عبارت به کار رفته، به یک حضور ملموس اشاره دارد. ملکوت خدا اول در قلب انسان شکل می‌گیرد. خداوند در لوقا ۱۷: ۲۰-۲۱ در پاسخ به سؤال فریسیان گفت: «... ملکوت خدا با مراقبت نمی‌آید و نخواهند گفت که در فلان با فلان جاست. زیرا اینک ملکوت خدا در میان شما است.» در ترجمه‌ی تفسیری، آیات مذکور را این‌طور می‌خوانیم: «... ملکوت خدا با علائم قابل دیدن آغاز نخواهد شد و نخواهند گفت که در این گوشه یا آن گوشه زمین آغاز شده است زیرا ملکوت خدا در میان شماست!» آمین.

مسیح با این عبارات، اشاره می‌کند که ملکوت خدا واقعیتی محسوس و ملموس در میان شماست. کسی که تولد تازه می‌یابد، حاکمیت خدا را بر زندگی خود می‌پذیرد و پس از آن در دعای ربانی از خدا می‌طلبد که عده‌ی بیشتری پذیرای حاکمیت الهی در زندگیشان باشند. در عصر ما حاکمیت شیطان بر زندگی مردم به دو صورت عیان می‌گردد: اول در قالب خودخواهی و دوم در لوای تعریف شدن توسط دیگران؛ یعنی شخص بر اساس تعاریف و دیدی که از دیگران می‌گیرد زندگی می‌کند. می‌توان گفت چنین شخصی نمونه بارز این ضرب‌المثل فارسی است که خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو! این رفتار دقیقاً بر خلاف اراده‌ی خداست زیرا در کلام پدر آسمانی خود داریم: «و هم‌شکل این جهان مشوید بلکه به تازگی ذهن خود صورت خود را تبدیل دهید.» (رومیان ۱۲: ۲). پذیرش تازگی در مسیح و رفتار کردن بر اساس آن، نقطه‌ی مقابل هم‌رنگ جماعت شدن است. ممکن است کسی بگوید: «هم‌رنگ جماعت نمی‌شوم.» ولی در عین حال عملکردی کاملاً خودسرانه داشته باشد، در هر صورت این شیطان است که او را به اسارت درآورده است. ما باید دعا کنیم که حاکمیت خدا در زندگیمان برقرار شود تا در مرحله‌ی بعدی، این حاکمیت در سراسر جهان گسترش یابد. باید دعا کرد تا سلطنت الهی جایگزین خودرأیی و هم‌رنگ جماعت شدن گردد و بدین ترتیب مسیر تحقق بخش بعدی دعای ربانی هموار شود.

در ادامه در آیهی ۱۰ می‌خوانیم: «و اراده‌ی تو چنانکه در آسمان است، بر زمین نیز کرده شود.» تولد تازه باعث پذیرش حاکمیت الهی می‌شود و پس از آن می‌توان شاهد اجرای اراده‌ی کامل خدا در زندگی افراد بود. در حزقیال ۲۷:۳۶ آمده است: «و روح خود را در اندرون شما خواهیم نهاد و شما را به فرایض خود سالک خواهیم گردانید تا احکام مرا نگاه داشته، آنها را بجا آورید.» از طریق نزول روح القدس و هدایت‌هایش قادر به انجام خواست خدا در زندگی خود خواهیم شد. همان‌طور که فرشتگان، اراده‌ی خدا را در آسمان به انجام می‌رسانند ما نیز به فیض خدا و قوّت روح القدس، می‌توانیم خواست او را بر زمین اجرا کنیم. ریاضت کشیدن، غرق شدن در عرفان و مطالعه‌ی کتب گوناگون که همگی اختراعی انسانی هستند، تا کنون هیچ کس را به سمت جاری ساختن اراده‌ی خدا سوق نداده است. در یک جمله باید گفت تنها کسی که ملکوت خدا را پذیرفته و روح القدس در زندگی او جاری شده، می‌تواند مجری اراده‌ی پدر آسمانی بر زمین باشد، همان‌گونه که در آسمان است. **اگر خدا پدر ماست پس راه‌های ما نیز باید راه‌های او باشد.** ممکن است بگویید: «مگر خداوند نگفته که طریق‌های من طریق‌های شما نیست.» اما پاسخ این است: وقتی فرزند خدا هستیم باید در راهی که پدر برایمان مهیا نموده، گام برداریم.

دعای ربانی به دو بخش تقسیم می‌شود. بخش اول مربوط به الوهیت، ملکوت و اراده‌ی خداست و بخش دوم، دعا برای رفع نیازهای روحانی و جسمانی است. در بخش اول که باید در اولویت دعاها ما جای داشته باشد آموختیم قبل از هر چیز باید برای جلال نام خدا در میان مردم و تحقق اراده و حاکمیت او در بین انسان‌ها دعا کنیم و پس از آن نیازهای خود و دیگر اعضای خانواده‌ی الهی را به حضور خدا بلند کنیم. با این مقدمه‌ی کوتاه به بررسی بخش دوم دعای ربانی، یعنی دعا برای رفع نیازهای روحانی و جسمانی می‌پردازیم.

برخی به قصد روحانی‌تر جلوه دادن مسائل می‌گویند منظور مسیح از «نان کفان ما را امروز به ما بده.» همان کلام خداست. باید گفت که در این آیه اول منظور اصلی نان زمینی است نه

نان سماوی. پس «نان» اول به نیازهای انسان اطلاق می‌شود و نه به نان آسمانی یا نان شام خداوند. اصطلاح «نان کفاف» به آنچه برای ادامه‌ی زندگی نیاز است، اشاره دارد. این آیه نشان می‌دهد که ما باید نیازهایمان را با پدر آسمانی خود مطرح کنیم. مسیح تعلیم می‌دهد که شما این طور دعا کنید. زندگی ایمانی و روحانی به معنای غفلت از نیازهای مادی نیست، خدا نمی‌خواهد ما ریاضت بکشیم. او جسم را آفرید و از ما می‌خواهد تا از آن غافل نشویم بلکه احتیاجات خود را به حضور او ببریم. درست است که این آیه قابل تعمیم به مسائل روحانی نیز می‌باشد اما نمی‌توان آن را یک فرض قطعی تلقی کرد و از نیاز جسم غافل شد. البته نباید با استفاده‌ی نادرست از این آیه اولویت را به جسم داد و آن را در جایگاه اول قرار داد بلکه هر چیز به جای خود نیکوست. خدا با تدارک نیازهای روزانه‌ی زندگی ما، در واقع ما را آماده‌ی آینده می‌کند. پس نباید نگران آینده بود بلکه باید با شکرگزاری آنچه خدا در کنون آماده ساخته را دریافت کرد.

در آیه‌ی ۱۲ داریم: «و قرض‌های ما را بخش چنانکه ما نیز قرضداران خود را می‌بخشیم.» کسی که نمی‌تواند ببخشد، اصلاً طعم شیرین بخشش را درونی نکرده است. ممکن نیست طعم شیرین بخشش را چشیده باشیم و قادر به بخشیدن دیگران نباشیم؟ در متی ۲۱:۱۸-۲۲ در این باره آمده است: «آنگاه پطرس نزد او آمده، گفت: خداوندا، چند مرتبه برادرم به من خطا ورزد، می‌باید او را آمرزید؟ آیا تا هفت مرتبه؟ عیسی بدو گفت: تو را نمی‌گویم تا هفت مرتبه بلکه تا هفتاد هفت مرتبه.» و در ادامه پس از بیان مثال پادشاه و بدهکار در آیه‌ی ۳۵ می‌افزاید: «و به همین‌طور پدر آسمانی من نیز با شما عمل خواهد نمود. اگر هر یکی از شما برادر خود را از دل نبخشد.»

ماجرای مهلت خواستن بدهکار برای پرداخت بدهی‌اش به پادشاه ممکن است در زندگی هر انسانی صدق کند. کسی که متوجه گناه خود می‌شود سعی می‌کند تا با صدقه دادن و کارهایی از این دست به جبران آن بپردازد اما کلام خدا صراحتاً می‌گوید که با این اعمال

نمی‌توان بخشش را حاصل کرد. خدا از آنجایی که می‌دانست انسان با اعمال خود قادر به کسب بخشش نیست لذا گناهان هر کس را که به او ایمان آورد، در مسیح عفو می‌نماید. کسی که در این محبت و بخشش تأمل نمی‌کند و به یاد نمی‌آورد که خدا او را از اعماق گناه بیرون آورده و قرض‌هایش (خطاهایش) را بخشیده، خطایایی که دیگران نسبت به او انجام داده‌اند را نخواهد بخشید. در مثالی که مسیح عنوان کرد نیز دیدیم با آنکه پادشاه بدهی‌های فراوان بدهکار اول را بخشید اما آن مرد از قرض اندکی که به دوستش داده بود نگذشت و او را به زندان انداخت چون بخشش پادشاه را درک نکرده بود و همین مسئله باعث شد تا پادشاه خود او را دوباره به زندان بیندازد. از نظر روحانی نیز ایماندارانی که نمی‌توانند از اشتباهات دیگران چشم‌پوشی کنند، دوباره به زندان بازمی‌گردند.

یک روز برای شخصی دعا می‌کردم که ناگهان خداوند مرا متوقف نمود و گفت: من اشتباهات فراوان انسان‌ها را تحمل می‌کنم اما دل کینه‌توز را نادیده نخواهم گرفت. فردی که از دیگران کینه به دل می‌گیرد و با نگاه‌های بغض‌آلود به آنها می‌نگرد، از نظر روحانی دوباره به زندان بازمی‌گردد زیرا با عمل خود، اصل بخشش را زیر سؤال می‌برد. وقتی دعا می‌کنیم که قرض‌های ما را ببخش چنانکه ما قرضداران خود را می‌بخشیم باید به یاد داشته باشیم که بدهی ما به خدا ده تومان نیست و بدهی دیگران به ما صد تومان بلکه بدهی ما به خدا میلیاردی است! پس بخشش اشتباه دیگران نسبت به ما به هیچ وجه با عفو اشتباهات ما توسط خدا قابل قیاس نیست. اگر اصل بخشش در مورد دیگران را با علامت سؤال مواجه کنیم، ناخودآگاه این اصل درباره‌ی خود ما نیز زیر سؤال می‌رود و به همین دلیل باید به زندان بازگردیم. بهتر است هر یک از ما در این خصوص، خود را در حضور خدا تفتیش کنیم و همواره محبت خدا را به خاطر داشته باشیم تا بتوانیم دیگران را ببخشیم، همان‌طور که بخشیده شدیم.

مسیح در ادامه‌ی این دعا و در آیه‌ی ۱۳ می‌گوید: «و ما را در آزمایش میاور بلکه از شریر ما را رهایی ده.» ترجمه‌ی درست‌تر این آیه چنین است: ما را از مغلوب شدن در برابر وسوسه‌ها

محافظت نما. خدا هیچ وقت کسی را وسوسه نمی‌کند (یعقوب ۱: ۱۳) بلکه گاهی اوقات به شیطان اجازه می‌دهد تا ما را با فشار با سختی روبرو سازد. این مسئله در کتاب ایوب قابل مشاهده است. همچنین در عهد جدید نیز می‌خوانیم روح‌القدس مسیح را به بیابان برد و شیطان در آنجا او را وسوسه کرد. در این دعا از خدا می‌خواهیم تا در هنگام رویارویی با وسوسه‌ها ما را محافظت نماید تا مغلوب شیطان نشویم. هیچ یک از ایمانداران به تنهایی قادر به ایستادگی در برابر حملات و وسوسه‌های شریر نخواهند بود و این پیروزی زمانی ممکن می‌شود که شخص از ذخیره‌ی فتح بزرگ مسیح استفاده کند و در مسیر آن گام بردارد. اگر تصوّر می‌کنید که با عقل و دانش و قدرت خود می‌توانید بر وسوسه‌ها و حملات شریر غالب شوید، سخت در اشتباهید.

پطرس فکر می‌کرد می‌تواند با شمشیر خود پیروز شود، او به خود می‌بالید و می‌گفت که حتی جان خود را برای مسیح خواهد داد اما همگی می‌دانیم که ثمره‌ی این رفتار او چیزی جز انکار و لعنت کردن مسیح نبود. ما به تنهایی قادر به غلبه بر حملات شیطان نخواهیم بود و با این دعا از خداوند درخواست می‌کنیم که ما را برای نیل به پیروزی یاری نماید. نباید فراموش کرد که جز خداوند هیچ کس نمی‌تواند بگوید: «... خاطر جمع دارید زیرا که من بر جهان غالب شده‌ام.» (یوحنا ۱۶: ۳۳).

پس از طلب یاری از خدا و جلال دادن او در آیه‌ی ۱۳، در آیات ۱۴ و ۱۵ دوباره با موضوع محبت و بخشش رو به رو می‌شویم: «زیرا هرگاه تقصیرات مردم را بدیشان بیمارزید، پدر آسمانی شما، شما را نیز خواهد آمرزید. اما اگر تقصیرهای مردم را نیامرزید، پدر شما هم تقصیرهای شما را نخواهد آمرزید.» بخشش، موضوع بسیار مهمی است چون اساس عمل مسیح چیزی جز آن نبوده و نیست. مسیح از ما می‌خواهد تا ابتدا از خطاهای دیگران بگذریم و یا اینکه برای آنها طلب بخشش کنیم. او هنگام مصلوب شدن نگفت که من از گناهان این مردم گذشتم زیرا آنها اصلاً از مسیح طلب بخشش نکردند بلکه گفت: «ای پدر، تو اینها را بیمارز زیرا نمی‌دانند چه

می‌کنند.» (لوقا ۲۳:۳۴) چون کسی بخشیده می‌شود که طالب بخشش باشد. آیا جوابی که مسیح به سؤال پطرس داد را به خاطر دارید؟ او گفت اگر کسی نه هفت بار بلکه چهارصد و نود بار هم از تو طلب بخشش کند، باید او را ببخشی. این یعنی گذشت بی حد و مرز، مسیح هنگام مصلوب شدن فقط می‌توانست از پدر بخواهد که گناه دشمنانش را ببخشد زیرا آنها نه تنها از مسیح طلب عفو نکرده بودند بلکه حتی نمی‌دانستند چه می‌کنند. برای حضور در پیشگاه خداوند باید از هر کینه‌ای تهی بود. مسیح بر اصل بخشش تأکیدی خاص دارد و پولس نیز می‌گوید که باید دست‌ها را بدون غیظ در حضور خدا برافراشت. (اول تیموتاؤس ۲:۸). **خداوند به هیچ وجه پذیرای دست‌هایی که با کینه به سوی او بلند می‌شوند نیست زیرا آنها را آلوده به خون می‌بیند!** خدای محبت غیظ و نفرت را به حضور خود راه نخواهد داد. برادر برانهام در رویایی دید که هیچ کس بدون محبت کامل، به آن ضیافت آسمانی وارد نخواهد شد. در عهد عتیق نیت کاهنان اعظم برای ورود به قدس‌الاقداس، شفاعت و طلب بخشش برای قوم بود. اگر در دعا به حضور خدا یعنی همان قدس‌الاقداس می‌رویم نباید هدفی جز طلب عفو برای دیگران داشته باشیم زیرا قدس‌الاقداس محل بخشش است نه انتقام. کاهن اعظمی که وارد قدس‌الاقداس می‌شد از خدا نمی‌خواست مثلاً از امیناداب یا بنی‌رئوبین انتقام بگیرد بلکه برای همه‌ی قوم شفاعت می‌کرد. به همین دلیل مسیح دعا را به شکلی مستقیم، به بخشش مربوط می‌کند. کسی که با کینه دعا می‌کند هرگز وارد مکان اقدس نخواهد شد زیرا فلسفه‌ی دعا در قدس‌الاقداس، گذراندن قربانی و شفاعت برای مردم است.

در عهد عتیق لازم بود که افراد پیش از رفتن به حضور خدا، طهارت کنند. ما قوم روحانی خدا هستیم پس برای رفتن به حضور او و به قدس‌الاقداس او، باید خود را از هر نجاست و افزونی شرّ همچون کینه و... طاهر سازیم. خدا مسائل زیادی را تحمل می‌کند اما کینه و عدم بخشش را هرگز.

بر مبنای تعلیم خداوند در صورتی که در دعا، به مسائل بر اساس اولویت‌های زندگی ایمانی یعنی تجلی جلال خدا و گسترش ملکوت او، رفع نیازهای روحانی و جسمانی، پیروزی بر شیطان و وسوسه‌ها، محبت و بخشش توجه داشته باشیم، می‌توانیم دعایی کتاب مقدسی و موفق را تجربه نماییم.

خداوند به نکاتک شما برکت دهد. چند لحظه دعا کنیم و به آنچه آموختیم، بیندیشیم. ای خداوند، عطا فرما تا تعلیم تو، هدایت‌های تو و پیغام‌های تو در ما درونی شود. ای خداوند، مکتوب است که روح زنده می‌کند پس کتاب مقدس را با روح‌القدس برای ما احیا کن. در نام عیسی مسیح. آمین.